

پیش‌بینی‌کننده‌های شخصیتی گرایش به دین

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۵/۲۷

علیرضا آقا‌یوسفی *

مجید صفاری‌نیا**

محمود شرفی***

حمیدرضا ایمانی‌فر****

چکیده

رابطه بین شخصیت و دین، یکی از بحث‌های عمده و محوری در روان‌شناسی است که به آن کمتر توجه شده است. هدف از این پژوهش، بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با عمل به باورهای دینی، جهت‌گیری مذهبی و نگرش مذهبی است. نتایج این پژوهش می‌تواند در شناخت ویژگی‌های شخصیتی گرایش به دین موثر باشد. در این پژوهش علی‌مقایسه‌ای، ۱۵۰ پسر و ۱۵۰ دختر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه پیام نور فسا انتخاب شدند و با پرسشنامه‌های استاندارد شده پنج عامل بزرگ شخصیت نئو، جهت‌گیری مذهبی، نگرش مذهبی و عمل به باورهای مذهبی مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون نشان داد که عامل با وجدان بودن با خرده‌مقیاس پیشرفت‌طلبی و خویش‌داری، عمل به باورهای مذهبی را پیش‌بینی نمود و عامل دل‌پذیر بودن با خرده‌مقیاس نوع‌دوستی و میانه‌روی نیز توانست عمل به باورهای مذهبی را پیش‌بینی نماید. همچنین نتایج تحقیق همسو با تحقیقات پیشین نشان داد که زنان در ابعاد دین‌داری و عوامل شخصیتی به‌طور معناداری نمراتی بالاتر از مردان به دست آوردند. اما برخلاف تحقیقات پیشین، نتایج این تحقیق نشان داد که عامل برون‌گرایی جهت‌گیری مذهبی را پیش‌بینی می‌نماید، از این رو، پیشنهاد می‌گردد که این پژوهش در جوامع تحقیقی دیگر نیز تکرار گردد.

واژگان کلیدی

پنج عامل بزرگ شخصیت نئو، عمل به باورهای مذهبی، روان‌شناسی دین

arayeh1100@gmail.com

m.saffarinia@yahoo.com

mahmoodsharafi.21@yahoo.com

imanifar@gmail.com

* دانشیار روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

** دانشیار روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

*** استادیار علوم تربیتی دانشگاه پیام نور

**** دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه پیام نور و نویسنده مسئول

مقدمه

دین و مذهب، از مهم‌ترین عوامل سازنده فرهنگ و تمدن است. دین ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ دارد. ادیان الهی در تمام زمان‌ها وجود داشته‌اند و خود را بر مردم عرضه کرده و مؤسس فرهنگ‌ها بوده‌اند. همچنین دین، بانفوذترین و ژرف‌ترین فرهنگ را در بین مردم داشته است و فرهنگ‌های گذشته را که متناسب با فرهنگ خود نباشد، طرد می‌کند و مخاطبان خویش را به سوی فرهنگ خود سوق می‌دهد. شهید مطهری، مذهب و دین را بالاترین سازنده فرهنگ اجتماعی می‌داند (تورانی و مرتضوی، ۱۳۹۱). دین می‌تواند با همگامی (پاسخگویی به موقع و اقناع‌کننده) به مقتضیات زمان و مکان از طریق احیای خود و اصلاح سنت دینی با رجعت به ریشه‌ها به هماهنگی عناصر فرهنگ، علم‌پذیری و دین‌ورزی توأمان در قالب نیروهای مکمل مدد رساند و توسعه علمی را در چارچوب فرهنگ‌سازی پویا و پایدار عینیت بخشد، به‌طوری که دین از درون نظام اجتماعی - فرهنگی، تولید علم و توسعه علمی را به‌نحوی هدایت و جهت می‌دهد که با نقشه ادراکی و الگوی تفکر در آن جامعه سنخیت داشته باشد (عیوضی، ۱۳۸۳).

زندگی دیندارانه برای انسان در عصر ارتباطات، هم ممکن و هم مطلوب است. در واقع، زیستن دین‌باورانه در جامعه شبکه‌ای، با پرسش‌های نو و وضعیتی متفاوت همراه است، اما دارای فرصت‌های جدیدی نیز است (خانیک، ۱۳۸۶). در حال حاضر ارتباط بین فرهنگ و شخصیت و جهان‌شمولی خصوصیات شخصیتی از موضوعات مورد توجه است. در چند سال اخیر مطالعات گوناگونی روی ارزیابی افراد از شخصیت خود صورت گرفته است، نشان می‌دهد از این نظر بین فرهنگ‌های مختلف هماهنگی قابل توجه وجود دارد؛ این هماهنگی جالب توجه است، ولی به‌تنهایی متضمن آن نیست که ساختار شخصیت یک آمریکایی یا اروپایی، تصویری جهانی از رفتارهای انسانی باشد (مارکز، ۲۰۰۴).

شخصیت هر فرد متأثر از فرهنگ، دین و ارتباطات است. فرهنگ و نوع ارتباطات در جامعه در شکل‌گیری شخصیت افراد، نقش اساسی دارد. رابطه بین شخصیت و دین، یکی از بحث‌های عمده و محوری در روان‌شناسی است. شخصیت هدف نهایی همه

بررسی‌های مربوط به انسان است؛ چراکه شناخت انسان و نحوه تربیت وی را می‌توان جزء مهم‌ترین مسائلی دانست که در همه عصرها، کلیه رشته‌های علوم انسانی به‌دنبال بررسی آن بوده‌اند. در این میان، بررسی رابطه این مؤلفه اساسی با دین می‌تواند نتایج جالب و کاربردی به دست دهد (رالف^۱ و همکاران، ۱۹۹۶).

۱. روان‌شناسی دین

نیاز انسان به دین^۲ قدمتی به عمر تاریخ دارد؛ زیرا بشر از همان آغاز زندگی خود به حامی مقتدر و تکیه‌گاهی نیرومند احساس نیاز می‌کرده است. موضوع دین، مورد بحث پژوهشگران پیشگام روان‌شناسی، همچون جیمز^۳، فروید^۴، یونگ^۵ و دیگران بوده است و پس از آن دانشمندانی نظیر آلپورت^۶ به تبیین مذهب پرداخته‌اند. از دیدگاه آلپورت جهت‌گیری مذهبی به دو صورت درونی و بیرونی است. در جهت‌گیری مذهبی درونی، ایمان به‌خودی‌خود به‌عنوان یک ارزش متعالی تلقی می‌گردد و یک تعهد انگیزش فراگیر، نه وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف در نظر گرفته می‌شود. اما در جهت‌گیری مذهبی بیرونی، مذهب امری خارجی و ابزاری برای ارضای نیازهای فردی از قبیل مقام و امنیت مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، دین‌داری برای کسب امنیت و پایگاه اجتماعی است و افرادی که چنین جهت‌گیری دارند، از دین به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به حاجات خود استفاده می‌کنند (آلپورت و راس^۷، ۱۹۶۷، ص ۴۳۹).

رفتار مذهبی جزء جدانشدنی همه ادیان الهی است، اما کمتر مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است. در پژوهشی که لارسون^۸ و همکاران (۱۹۹۸)، به نقل از شهبازی (۱۳۷۵) انجام دادند، دریافتند که کمتر از یک درصد از مقالاتی که در مجلات روان‌پزشکی و روان‌شناسی چاپ شده، پیرامون پژوهش‌های مذهبی است. از میان کسانی که به اهمیت مطالعات مذهبی اشاره نموده‌اند، می‌توان از راش، پدر روان‌پزشکی آمریکا یاد کرد که اظهار نموده، مذهب آن‌قدر برای پرورش سلامت روان آدمی اهمیت دارد که هوا برای تنفس (شهبازی، ۱۳۷۵). باین‌همه، صاحب‌نظران در حوزه روان‌شناسی مذهب در سطح نظری درباره اثرهای اعتقادات دینی بر بهداشت روانی دیدگاه‌های ضد و نقیضی را مورد بحث قرار داده‌اند (مالتی و دی^۹، ۲۰۰۰). مرور

پژوهش‌های تجربی نیز حاکی از عدم هماهنگی یافته‌ها در خصوص رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و بهداشت روانی است. الیس اظهار داشت که تدین با تفکر غیرعقلانی و اختلالات عاطفی همراه است (الیس^۱، ۱۹۸۰)؛ درحالی‌که رابطه بین مذهبی بودن و معناداری زندگی و سلامت روانی توسط چامبر بنیاند^{۱۱} و همکاران (۱۹۸۷) به نقل از کجباغ و رئیس‌پور، (۱۳۸۷) با فراتحلیل ۲۴ مقاله پژوهشی بررسی شد، نتایج پژوهش‌ها نشان داد که در مجموع، رابطه بین مذهب و بهداشت روانی مثبت است. برگین نیز با استفاده از شواهد مؤید، همراهی تدین با آسیب‌شناسی روانی را رد می‌کند (برگین^{۱۲}، ۱۹۸۳). پرگامنت^{۱۳}، نقش روان‌شناختی مذهبی را در کمک به مردم برای درک و کنار آمدن با رخداد‌های زندگی توصیف نموده است: مذهب می‌تواند در ایجاد احساس امید، احساس نزدیک بودن به دیگران، آرامش هیجانی، فرصت خودشکوفایی، احساس راحتی، مهارت‌تکانه، نزدیکی به خدا و کمک به حل مشکل مؤثر باشد (نیومن^{۱۴} و پارگامنت، ۱۹۹۰). پژوهش‌های انجام‌شده در چند دهه گذشته نشان می‌دهد که ارتباط مثبتی بین مذهب و سلامت روان وجود دارد و روان‌شناسی مذهب حمایت‌های تجربی برای این عقیده فراهم کرده است. همچنین روی^{۱۵} و پیترسون^{۱۶} (۱۹۸۵) نشان دادند که ایمان به خداوند و باور مذهبی در دوره‌های دشوار و تحمل‌ناپذیر از جمله رویارویی با بیماری‌های سخت بدنی به انسان آرامش می‌بخشد. همچنین فرانسیس^{۱۷} و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهش خود نشان دادند که تفاوت در نگرش‌های مذهبی مهم‌تر از اعمال مذهبی می‌تواند سلامت روانی افراد را پیش‌بینی کند. بین جهت‌گیری مذهبی درونی و اضطراب یک همبستگی منفی معنادار و بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و اضطراب همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد (بکر و گراش^{۱۸}، ۱۹۸۲). کوپینگ و همکاران دریافتند میزان افسردگی آزمودنی‌هایی که در فعالیت‌های مذهبی شرکت می‌نمایند، نصف آزمودنی‌هایی است که کمتر شرکت می‌کنند (کینگ^{۱۹} و همکاران، ۱۹۹۷). در مطالعه‌ای که بر روی ۱۶۴ نفر از بزرگسالان آمریکایی انجام گرفت، نشان داده شد که دین‌داری با نمره‌های پایین‌تر در روان‌پریشی همبسته است (شنی یلاق^{۲۰} و همکاران، ۲۰۰۲). پیترسون و روی^{۲۱} (۱۹۸۲)، رابطه بین

اضطراب و تدین را بر روی یک نمونه مسیحی مورد مطالعه قرار دادند. آن‌ها نتیجه گرفتند که جهت‌گیری مذهبی یک عامل مهم در کاهش اضطراب است.

۲. صفات در روان‌شناسی شخصیت

صفات به آن دسته از ویژگی‌های شخصیتی اطلاق می‌شود که در طول زمان و در موقعیت‌های مختلف پایدار است (پروین، ۲۰۰۲، ص ۱۸۵). از آنجاکه طبقه‌بندی مردم به‌وسیله صفت‌هایشان بسیار ساده و فهمیدنی به نظر می‌رسد و مبتنی بر عقل سلیم است، رویکرد صفت در شخصیت سال‌ها مورد استفاده بوده است. این نوع طبقه‌بندی به دوران حکیم یونانی بقراط (حدود ۴۶۰ تا ۳۳۷ قبل از میلاد) برمی‌گردد (شولتز، ۱۹۹۰، ص ۲۵۵). البته صفات برای هر نظریه‌پرداز، معنی خاص خود را دارد (ویگینز^{۲۲}، ۱۹۹۷، ص ۹۸). به‌رغم این تفاوت، نظریه‌پردازان صفات، توافق دارند که رفتار انسان و شخصیت وی را می‌توان در یک سلسله‌مراتب سازمان‌دهی کرد (پروین، ۲۰۰۲، ص ۱۸۷). بدین ترتیب شخصیت فرد را می‌توان به صورت الگویی از صفات در نظر گرفت (شولتز، ۱۹۹۰، ص ۲۹۴).

فیسکه در سال ۱۹۴۹ (به نقل از گروسی فرشی و همکاران، ۱۳۸۰) مطالعات کتل درباره درجه‌بندی خصوصیات شخصیتی را مورد پیگیری قرار داد. او با به کارگیری ۲۱ مقیاس دوقطبی کتل توانست به پنج عامل ترکیبی دست یابد. بعد از فیسکه، دانشمندانی چون تیوس و کریستال کارهای قبلی کتل و همبسته‌های فیسکه را دوباره مورد تحلیل قرار دادند و تمام آن‌ها را در پنج عامل قابل قبول به نام‌های شادخویی، دل‌پذیر بودن، قابلیت اطمینان، ثبات عاطفی و فرهنگ یافت نمودند. نورمن در سال ۱۹۶۳، گلدبرگ، دیگمن و تاکومونوچوک در سال ۱۹۸۱ و سرانجام، مک‌کرا و کاستا در سال ۱۹۸۵ کارهای این دانشمندان را مورد پیگیری و بررسی قرار دادند تا اینکه پرسش‌نامه شخصیتی پنج‌عاملی نئو^{۲۳} شکل گرفته است. هر عامل از پنج عامل بزرگ شخصیت نیز به شش زیرمقیاس تقسیم می‌شود که نمره هر عامل از جمع جبری شش زیرمقیاس به دست می‌آید. این پنج عامل عبارت‌اند از:

۱) بعد روان رنجورخویی^{۲۴} (N): مؤثرترین قلمرو مقایسه شخصیتی، قابلیت سازگاری یا ثبات عاطفی و ناسازگاری یا نورو تیسیم است. متخصصان بالینی انواع گوناگون از ناراحتی‌های عاطفی چون ترس اجتماعی، افسردگی و خصومت را در افراد تشخیص می‌دهند، اما مطالعات بی‌شمار نشان می‌دهد افرادی که مستعد یکی از این وضعیت‌های عاطفی هستند، احتمالاً وضعیت‌های دیگری را نیز تجربه می‌کنند (مک‌کری و کوستا، ۱۹۹۲، به نقل از گروسی فرشی، ۱۳۸۰). عامل روان رنجورخویی به شش زیرمقیاس تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: اضطراب، خصومت، افسردگی، کمرویی، تکانشگری و آسیب‌پذیری.

۲) بعد برون‌گرایی^{۲۵} (E): افرادی را توصیف می‌کند که فعال، جرئتمند، پراورزی، مشتاق، خونگرم، اجتماعی و بذله‌گو و پرحرف هستند (مک‌کری و جان^{۲۶}، ۱۹۹۲). دو خصوصیت برون‌گرایی، یعنی مثبت‌اندیشی و انرژی زیاد احتمالاً منجر به تعارض کمتر می‌شود (دینر و لوکاس^{۲۷}، ۱۹۹۹). عامل برون‌گرایی به شش زیرمقیاس تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: گرمی، جمع‌گرایی، جرئت‌ورزی، فعالیت، هیجان‌خواهی و عواطف مثبت.

۳) بعد انعطاف‌پذیری^{۲۸} (O): اغلب این بعد را عقل نامیده‌اند، این عامل به وسیله صفاتی نظیر هوش، اعمال خلاف عرف، تخیل، کنجکاوی و خلاقیت توصیف می‌شود (مک‌کری و کوستا، ۱۹۸۷، به نقل از گروسی فرشی، ۱۳۸۰). عامل انعطاف‌پذیری به شش زیرمقیاس تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: خیال‌پردازی، زیبایی‌شناسی، احساسات، آراء و عقائد و ارزش‌ها.

۴) بعد توافق^{۲۹} (A): این بعد با صفاتی همچون همکاری، گذشت، مهربانی، همدردی، خوش‌مشربی و اعتماد توصیف می‌شود (مک‌کری و جان، ۱۹۹۲). عامل توافق به شش زیرمقیاس تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: اعتماد، درست‌کاری، نوع‌دوستی، فرمان‌برداری، میانه‌روی و نرم‌خویی.

۵) بعد با وجدان بودن^{۳۰} (C): کنترل خود می‌تواند به مفهوم قدرت طرح‌ریزی خیلی فعال، سازمان‌دهی و انجام وظایف محوله به‌نحو مطلوب نیز باشد. تفاوت‌های فردی در این مورد اساسی با وجدان بودن است. فرد با وجدان، هدفمند، بااراده و

مصمم است. افراد موفق، موسیقی‌دانان بزرگ و ورزشکاران بزرگ این صفات را در حد بالا دارند. دیگمن و تاکوموتوچوک^{۳۱} این حیطة را به نام تمایل به موفقیت نامیده‌اند (به نقل از گروسی فرشی، ۱۳۸۰). عامل با وجدان بودن به شش زیرمقیاس تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: کفایت، نظم، وظیفه‌شناسی، پیشرفت‌طلبی، خویش‌داری و متانت.

۳. شخصیت در روان‌شناسی دین

ایمان و معتقدات دینی از عناصر مؤثر بر شخصیت است. شخصیت، فراگیرترین مفهوم روان‌شناسی است که تمامی کارکردهای انسان را تحت سیطره خود قرار می‌دهد. بر این اساس، ویژگی‌های شخصیتی از مؤلفه‌های اثرگذار بر نوع روابط انسانی، تعاملات اجتماعی و به‌طورکلی تمامی فعالیت‌های انسانی در صحنه جامعه است (گوتیرز^{۳۲} و همکاران، ۲۰۰۵).

وینک^{۳۳} و همکاران (۲۰۰۷) در یک مطالعه طولی به مطالعه مذهبی بودن، معنویت‌گرایی و شخصیت پرداختند. نمونه آن‌ها شامل ۲۰۹ زن و مرد شرکت‌کننده بود. فرضیه پژوهش آن‌ها این بود که از ویژگی‌های شخصیتی در نوجوانی می‌توان برای پیش‌بینی مذهبی بودن و معنویت‌گرایی در سال‌های بعدی زندگی استفاده کرد. نتایج نشان داد که مذهبی بودن، رابطه مثبتی با وجدان‌گرایی و توافق‌پذیری دارد و معنویت، رابطه مثبتی با انعطاف‌پذیری در بزرگسالی دارد. نمونه‌های طولی نشان داد که وجدان‌گرایی و انعطاف‌پذیری در نوجوانی به‌طور معنی‌داری، مذهبی بودن و معنویت‌گرایی در بزرگسالی را پیش‌بینی می‌کند. در میان زنان، توافق‌پذیری در نوجوانی، مذهبی بودن در بزرگسالی، مذهبی بودن در نوجوانی و انعطاف‌پذیری در بزرگسالی را پیش‌بینی می‌کند. این دو رابطه در مردان وجود ندارد. به نظر آن‌ها شخصیت، مذهبی بودن و معنویت‌گرایی در سال‌های بعدی زندگی شکل می‌گیرد که مستقل از مذهبی شدن اجتماعی اولیه است. دوریز و سونس^{۳۴} (۲۰۰۶) در پژوهش خود نشان دادند که تفاوت‌ها در شخصیت و شکل‌گیری هویت، می‌تواند تعیین‌کننده گرایش‌های مذهبی باشد. نتایج پژوهش دوریز (۲۰۰۲) نشان داد که توافق‌پذیری، وجدان‌گرایی و انعطاف‌پذیری، رابطه معنادار و مثبتی با دین‌داری در مسیحیان بلژیکی

دارد. ساروگلو^{۳۵} (۲۰۰۲) نیز بیان می‌کند که دین‌داری، رابطه مثبتی با توافق‌گرایی دارد. جنیفر و برنت^{۳۶} (۲۰۰۷) تحقیقی را در مورد سرمایه‌گذاری اجتماعی^{۳۷} و شخصیت با استفاده از فراتحلیل رابطه ویژگی‌های شخصیتی با سرمایه‌گذاری در کار، خانواده، مذهب و داوطلب بودن انجام دادند. نتایج نشانگر آن است که میزان سرمایه‌گذاری در نقش‌های اجتماعی در زمینه کار، خانواده، مذهب و داوطلب بودن با توافق‌گرایی، وجدان‌گرایی، ثبات عاطفی و پایین بودن میزان روان‌پریشی رابطه مثبت دارد. نتایج پژوهش فرانسیس و کاتز (۱۹۹۲)، بیانگر آن است که افراد مذهبی، نمره‌های کمتری در روان‌پریشی‌گرایی دارند. در این پژوهش، دو عامل برون‌گرایی و درون‌گرایی ارتباط معناداری با دین‌داری ندارد. نتایج پژوهش فیرن^{۳۸} و همکاران (۲۰۰۳) نیز نشان داد که روان‌پریشی، رابطه منفی با شاخص مذهبی دارد و برون‌گرایی و روان‌رنجوری، رابطه معناداری با مذهبی بودن ندارد. در پژوهشی که استری فلر و مک نالی^{۳۹} (۱۹۹۸) میان کاتولیک‌های فرانسه انجام دادند، هیچ رابطه معناداری بین پنج عامل شخصیت و دین‌داری به دست نیامد. ساروگلو (۲۰۰۲) و مک کری (۱۹۹۶) معتقدند افرادی که نمره بالایی در انعطاف‌پذیری دارند، از نظر دینی نیز رشدیافته‌تر هستند و افراد مذهبی، نمره‌های بالاتری در عامل وجدان‌گرایی نسبت به افراد غیرمذهبی دارند. فرانسیس و رابینز (۲۰۰۳) رابطه بین مسیحیت و انعطاف‌پذیری را بررسی کردند. این مطالعه بر روی ۵۵۴ دانشجوی دوره کارشناسی انجام گرفت. نتایج پژوهش آن‌ها نشانگر آن است که نگرش نسبت به مسیحیت و عدم انعطاف‌پذیری، ساختارهای نامربوطی است و هیچ‌گونه حمایت تجربی در این رابطه یافت نشد.

فیدر^{۴۰} در مطالعه بر روی دانشجویان روان‌شناسی، رابطه مثبتی بین عدم انعطاف‌پذیری و نگرش‌های مذهبی، به دست آورد. استنلی^{۴۱} نیز رابطه مثبتی بین عدم انعطاف‌پذیری و تنها موردی که به سنجش اصول‌گرایی اختصاص داشت، پیدا کرد. پژوهش استنلی روی گروه‌های مسیحی دانشجویان انجام شده بود. راشک^{۴۲} در مطالعه خود، تفاوت و تمایز بین توافق مذهبی و تعهد مذهبی را که آلن و اسپیلکا^{۴۳} مطرح کرده بودند، مورد توجه قرار داد. نتایج پژوهش او نشان داد که انعطاف‌پذیری، رابطه مثبت بیشتری با توافق مذهبی نسبت به تعهد مذهبی دارد، هرچند هیچ یافته‌ای، این

نتیجه را تأیید نکرد. مطالعات زیادی نیز به تفاوت بین مذهب درونی و مذهب تحمیل‌شده از بیرون اختصاص یافته که آلپورت و رز^{۴۴} آن را گسترش داده‌اند. برخی مطالعات نیز در جستجوی جهت‌گیری مذهبی بوده‌اند که توسط باتسون و ونتیس^{۴۵} معرفی شده‌اند (رز و همکاران، ۲۰۰۵).

با وجود اهمیت آشکار دین برای افراد و گروه‌ها، روان‌شناسان به این موضوع کمتر توجه کرده‌اند (پالوتزیان، ۱۹۹۶). واژه شاکله و قلب سلیم در قرآن کریم، مفاهیمی نزدیک به شخصیت در روان‌شناسی است. علاوه بر این، نفس مطمئنه در قرآن کریم مفهومی فراروان‌شناختی دارد. این‌گونه اصطلاحات بیانگر آن است که اسلام توجه ویژه‌ای به شخصیت انسان نموده است. اکنون با جنبش روان‌شناسی مثبت‌گرا، زمینه مساعدی برای طرح مسائل روان‌شناختی از دیدگاه اسلام مطرح شده است و از این رو، امید است که این مقاله بتواند در این زمینه راهگشا باشد. با توجه به مباحث یادشده، هدف از این پژوهش، بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با عمل به باورهای دینی، جهت‌گیری مذهبی و نگرش مذهبی است. در واقع، سؤال اصلی پژوهش این است که آیا ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند میزان نگرش، جهت‌گیری و عمل به باورهای مذهبی افراد را پیش‌بینی نماید؟

۴. روش تحقیق

جامعه آماری این تحقیق علی-مقایسه‌ای کلیه دانشجویان دختر و پسر شهرستان فسا بودند. ۱۵۰ دختر و ۱۵۰ پسر به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب گردیدند و آزمون‌ها بر روی آن‌ها اجرا گردید.

۵. ابزار سنجش

الف. مقیاس عمل به باورهای مذهبی: دارای ۲۵ ماده است که عمل به باورهای دینی را اندازه می‌گیرد که روایی و پایایی آن در ایران توسط گلزاری (۱۳۸۰) مورد سنجش قرار گرفته است. سؤالات آزمون با توجه به رفتارهای دینی رایج در جوانان متدین به اسلام انتخاب شده است. هر سؤال پنج گزینه دارد که از صفر تا چهار نمره‌گذاری می‌شود.

پایایی پرسشنامه از طریق بازآزمایی ۷۶٪ از طریق دو نیمه کردن ۹۴٪ برآورد شده است. آزمون دارای اعتبار محتوایی (صوری و منطقی) بالاست، اعتبار وابسته به ملاک آن از طریق مقایسه افراد مذهبی و غیرمذهبی، با استفاده از دسته‌بندی همسالان، دسته‌بندی مریمان و تفاوت نمره‌های زندانیان با جوانان مذهبی با ضریب اعتبار ۸۴-۷۸ درصد و اعتبار سازه، تفاوت ویژگی‌های شخصیتی در آزمون EPQ با توجه به ویژگی‌های انجام‌شده در این زمینه ($p < 0/001$) به دست آمده است.

ب. پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو: پرسشنامه تجدیدنظرشده شخصیتی NEO-PI-R با ارزیابی پنج عامل اصلی و توأم با آن، ۳۰ ویژگی و صفت را که معرف شخصیت فرد در زمینهٔ هنجاری و مرض است، بررسی می‌کند. در ایران توسط میرتقی گروسی فرشی و همکاران (۱۳۷۷) بر روی ۲۰۰۰ دانشجوی ایرانی هنجاریابی گردید. هدف اصلی از این مطالعه بررسی وجود پنج عامل اصلی شخصیت در فرهنگ ایرانی بود. برای این منظور کاربرد - فارسی پرسشنامه شخصیتی تجدیدنظرشده NEO تهیه گردید و برای اطمینان از تطابق زبانی آزمون یعنی هماهنگی ترجمه فارسی با متن انگلیسی، کاربرد فارسی آزمون توسط سه تن از اساتید شایسته زبان انگلیسی دوباره به انگلیسی ترجمه گردید. اعتبار محتوایی و مطابقت فرهنگی کاربرد فارسی آزمون به وسیلهٔ روان‌شناسان محلی ذی‌صلاح مورد ارزیابی قرار گرفت. یک مطالعه مقدماتی بر روی گروهی از دانشجویان انجام یافت و بعد از انجام اصلاحات لازم کاربرد نهایی آزمون در نمونه معرف دانشجویان که شامل گروهی از دانشجویان دانشگاه‌های شیراز و تبریز بودند، اجرا گردید. نمونهٔ نهایی شامل ۱۷۱۷ دانشجو (۹۳۰ پسر و ۷۸۳ دختر) در فاصله سنین ۱۸-۲۴ سال بودند. علاوه بر آن از ۲۰۰ دانشجو خواسته شد که یکی از رفقای خود را بر اساس همین آزمون مورد ارزیابی قرار دهند. تحلیل عوامل رویه‌های ۳۰گانه آزمون با چرخش واریماکس در نمونهٔ کلی و در گروه پسران و دختران حضور پنج عامل اصلی را همانند آنچه که در بررسی‌های مک‌کری و کوستا و نیز پژوهشگران دیگر از کشورهای مختلف گزارش شده است، نشان داد. علاوه بر آن، یک عامل فرعی ناپایدار ششمی آشکار گردید. این عامل در گروه پسران به‌گونه‌ای و در گروه دختران به‌گونه‌ای دیگر ظاهر می‌شود که به نظر می‌رسد عامل وابسته به جنس بوده و ناشی از

شرایط فرهنگی ایران باشد. این عامل به‌طور تجربی نارسیسیسم نامیده شده است. تحلیل عوامل مجزا روی دو جنس شواهد آشکاری از ثبات عاملی نشان می‌دهد. اعتبار همزمان کاربرد فارسی آزمون NEO توسط بررسی همبستگی کاربرد S و R در ۲۰۰ نفر از دانشجویان و پایایی آن توسط آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفت که هر دو در سطح بالایی قابل قبول بوده و شبیه اعتبار و پایایی این وسیله اندازه‌گیری در زبان اصلی بودند.

ج. مقیاس جهت‌گیری مذهبی: این آزمون توسط مالتی و همکاران (۱۹۹۹) ساخته شده است. برای سنجش پایایی آن از طریق بازآزمایی به فاصله زمانی دو هفته در یک گروه ۲۳ نفره و جدا از گروه آزمون اقدام گردید (نسابه، ۱۳۸۴). پایایی آن از طریق بازآزمایی ۸۸٪ از طریق دو نیمه کردن ۷۲٪ و ضریب آلفای کرونباخ برای کل ۱۵ سؤال ۷۰٪ و برای سؤالات جهت‌گیری مذهبی درونی ۵۲٪ و برای ۳ سؤال جهت‌گیری مذهبی بیرونی شخص ۷۰٪ و برای ۳ سؤال جهت‌گیری مذهبی بیرونی اجتماعی ۴۴٪ به دست آمد.

د. پرسشنامه سنجش نگرش مذهبی: کاربرد نهایی این مقیاس که توسط خدایاری و همکاران (۱۳۷۹) تهیه شده است، دارای ۴۰ سؤال پنج‌گزینه‌ای که ابعاد اساسی اعتقادی (دانشجویان) را که شامل جهان‌بینی و ایدئولوژی است، اندازه می‌گیرد و به روش درجه‌بندی لیکرت نمره‌گذاری شده و گزینه‌ها شامل «کاملاً موافقم»، «تا حدی موافقم»، «بینابین»، «تا حدی مخالفم»، «کاملاً مخالفم» است. همچنین، به منظور بررسی همسانی درونی ابزار اندازه‌گیری از فرمول آلفای کرونباخ استفاده و ضریب ۹۵٪ برای آلفا به دست آمده که نشان‌دهنده پایایی بالای این آزمون است. از سوی دیگر، برای تعیین میزان روایی پرسشنامه، از روایی سازه بهره گرفته شده که بدین منظور از یک سو، بین میانگین نمرات دانشجویان سهمیه شاهد و سهمیه مناطق و از سوی دیگر، بین میانگین نمرات طلاب حوزه علمیه قم و دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در پاسخ به این آزمون که از لحاظ سایر شرایط به‌جز نگرش‌های مذهبی مشابه بودند، با استفاده از آزمون t مستقل مقایسه شدند و معنی‌دار بودن تفاوت میانگین‌های آن‌ها ($p=0/001$) توسط سازندگان این مقیاس به‌عنوان شاهدی از روایی سازه پرسشنامه و اینکه این ابزار

به طور قابل قبولی توانسته بین گروه‌های فوق تمایز قائل شود، تعبیر شده است (خدایاری و همکاران، ۱۳۷۹).

۶. نتایج تحقیق

برای پاسخ به این سؤال که «پنج عامل شخصیت چه میزان از نگرش مذهبی، جهت‌گیری مذهبی و عمل به باورهای مذهبی را پیش‌بینی می‌نمایند؟»، نتایج رگرسیون همزمان نشان داد (جدول شماره ۱) که با وجدان بودن ($P < 0/002$) و خرده‌مقیاس کفایت (C1) ($P < 0/003$) نگرش مذهبی را پیش‌بینی می‌نماید. برون‌گرایی ($P < 0/017$) و خرده‌مقیاس عواطف مثبت (E6) ($P < 0/025$) جهت‌گیری مذهبی را پیش‌بینی می‌نماید و دل‌پذیر بودن ($P < 0/001$) با خرده‌مقیاس نوع‌دوستی (A3) و خرده‌مقیاس میانه‌روی (A5) جهت‌گیری مذهبی را پیش‌بینی کرد. همچنین با وجدان بودن ($P < 0/001$) با خرده‌مقیاس پیشرفت‌طلبی (C4) ($P < 0/001$) و خویش‌تن‌داری (C5) ($P < 0/033$)، عمل به باورهای مذهبی را پیش‌بینی نمود. البته عامل نروتیک بودن نمی‌تواند هیچ‌یک از ابعاد مذهبی را پیش‌بینی نماید.

جدول ۱. نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل بر عامل نگرش مذهبی، جهت‌گیری مذهبی و عمل به باورهای مذهبی

متغیر وابسته	متغیر مستقل	B	SE B	β	R2	F	t	Sig.
نگرش مذهبی	با وجدان بودن	۳۳۳/۰	۸۰۱/۰	۵۳۳/۰	۳۳۱/۰	۷۷۲/۰۱	۷۰۲/۳	۲۰۰/۰
نگرش مذهبی	کفایت (C1)	۰۰۲/۱	۳۲۵/۰	۵۳۳/۰	۲۲۱/۰	۲۲۳/۵	۴۵۰/۳	۲۰۰/۰

متغیر وابسته	متغیر مستقل	B	SE B	β	R2	F	t	Sig.
جهت‌گیری مذهبی	برون‌گرایی	۰۳۱/۰	۰۰۵۰/۰	۰۸۸۰/۰	۰۷۲۰/۰	۰۶۳۰/۶	۰۶۳۰/۸	۰۸۱۰/۰
جهت‌گیری مذهبی	عواطف مثبت (E6)	۰۳۳/۰	۰۰۶۷/۰	۰۶۶۰/۰	۰۸۰۰/۰	۰۵۲۰/۵	۰۶۷۰/۸	۰۵۲۰/۰
جهت‌گیری مذهبی	توافق‌پذیری	۰۲۱/۰	۰۰۱۶/۰	۰۷۳۰/۰	۰۷۵۰/۰	۰۵۵/۲۱	۰۸۳۵/۸	۰۱۰۰/۰
جهت‌گیری مذهبی	نوع دوستی (A3)	۰۰۶۰/۰	۰۰۳۸/۰	۰۸۷۰/۰	۰۶۳۰/۰	۰۶۶۳/۱۱	۰۱۶۰/۳	۰۱۰۰/۰
جهت‌گیری مذهبی	میان‌روی (A5)	۰۰۶۰/۰	۰۰۱۵/۰	۰۶۶۰/۰	۰۶۱۰/۰	۰۱۱/۶	۰۶۲۳/۸	۰۷۱۰/۰
عمل به باورهای مذهبی	باوجدان بودن	۰۰۳۹/۰	۰۰۰۷/۰	۰۰۷۲/۰	۰۷۸/۰	۰۵۵/۵۱	۰۵۷/۵	۰۱۰۰/۰
عمل به باورهای مذهبی	پیشرفت‌طلبی (C4)	۰۰۷۶/۰	۰۰۳۸/۰	۰۰۵۵/۰	۰۲۰/۰	۰۵۰/۳۵	۰۷۷/۵	۰۰/۰
عمل به باورهای مذهبی	خویش‌داری (C5)	۰۰۶۶/۰	۰۰۳۸/۰	۰۰۲۶/۰	۰۶۳/۰	۰۱۷/۷۱	۰۱۷/۸	۰۰/۰

برای پاسخ به این سؤال که «دختران و پسران چه تفاوت‌های معنی‌داری در پنج عامل شخصیت و خرده‌مقیاس‌های آن و سه عامل ابعاد دینداری (نگرش مذهبی، جهت‌گیری مذهبی و عمل به باورهای مذهبی) دارند؟»، از روش آماری آزمون تی (تی تست) برای گروه‌های مستقل استفاده گردید.

نتایج آزمون تی (تی تست) (جدول شماره ۲) برای گروه‌های مستقل نشان داد که دختران به‌طور معنی‌داری در عامل نروتیک بودن ($P < 0/002$)، برون‌گرایی ($P < 0/034$)، انعطاف‌پذیری ($P < 0/031$)، باوجدان بودن ($P < 0/031$) به‌طور معنی‌داری بالاتر از پسران بودند، اما در عامل دل‌پذیر بودن ($P < 0/208$) بین دو گروه تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردید.

جدول شماره ۲. نتایج تفاوت دختران و پسران در عامل نروتیک بودن

Sig.	t	SD	میانگین	تعداد	جنسیت	
0/002	3/225	14/039	97/28	50	دختر	نروتیک کل N
		13/408	85/11	50	پسر	
0/034	2/169	15/556	15/556	50	دختر	برون‌گرایی E
		15/097	15/097	50	پسر	
0/031	2/223	13/233	106/24	50	دختر	انعطاف‌پذیری
		9/664	99/79	50	پسر	
0/208	1/287	14/132	117/82	50	دختر	دل‌پذیر بودن
		16/476	112/32	50	پسر	
0/031	2/207	14/132	117/82	50	دختر	باوجدان بودن
		16/476	112/32	50	پسر	

برای پاسخ به این سؤال که «چه تفاوتی بین ابعاد دینداری دختران و پسران وجود دارد؟»، نتایج آزمون تی برای گروه‌های مستقل نشان داد (جدول شماره ۳) که دختران در هر سه بعد نگرش مذهبی ($P < 0/001$)، جهت‌گیری مذهبی ($P < 0/020$) و عمل به باورهای مذهبی ($P < 0/013$) نمراتی بالاتر از پسران به دست آوردند.

جدول شماره ۳. نتایج تفاوت دختران و پسران در ابعاد دین‌داری

Sig.	t	SD	میانگین	تعداد	جنسیت	
۰/۰۰۱	۳/۵۴۱	۱۴/۷۸۴	۱۶۷/۵۲	۵۰	دختر	نگرش مذهبی
		۱۶/۲۱۶	۱۵۲/۷۰	۵۰	پسر	
۰/۰۲۰	۲/۴۰۱	۸/۴۶۱	۶۰/۲۶	۵۰	دختر	جهت‌گیری مذهبی
		۶/۳۵۴	۸۴/۰۵	۵۰	پسر	
۰/۰۱۳	۲/۶۸۲	۹/۱۳۹	۹۵/۵۰	۵۰	دختر	عمل‌به‌باورهای مذهبی
		۱۸/۱۹۹	۸۴/۰۵	۵۰	پسر	

جمع‌بندی

به‌اختصار نتایج تحقیق نشان داد که صفات شخصیتی باوجدان بودن (یعنی توانایی کنترل خود، قدرت طرح‌ریزی، سازمان‌دهی و انجام وظایف محوله) و توافق‌پذیری (به معنای توانایی همکاری، گذشت، مهربانی، همدردی، خوش‌مشربی و اعتماد) توانستند نگرش مذهبی و عمل‌به‌باورهای مذهبی را پیش‌بینی نمایند و عامل نروتیک بودن و انعطاف‌پذیری، نیز نتوانست هیچ‌کدام از ابعاد مذهبی را پیش‌بینی نماید.

اگر پیشرفت‌طلبی (زیرمقیاس باوجدان بودن) را به معنای نوعی انگیزه و تلاش برای کمال و خودشکوفایی معنا کنیم و خویشتن‌داری (زیرمقیاس باوجدان بودن) را به معنای تقوا و پرهیزگاری، سازمان‌یافتگی و نظم معنا کنیم (ترخان، ۱۳۸۷، ص ۲۱۶) و جمع این دو عامل - پیشرفت‌طلبی و خویشتن‌داری - را که پیش‌بینی‌کننده بالای عمل‌به‌باورهای مذهبی است، بهتر درک خواهد شد؛ یعنی پیشرفت‌طلبی و کمال‌طلبی در کنار سازمان‌یافتگی و نظم و سخت‌کوشی می‌تواند پیش‌بینی‌کنندگی خوبی برای عمل‌به‌باورهای مذهبی باشد که این نتایج با باورهای مذهبی دین اسلام نیز همسوست.

در عامل باوجدان بودن تنها خرده‌مقیاس کفایت توانست نگرش مذهبی را پیش‌بینی نماید. کفایت به عقل سلیم (سؤال ۵ پرسشنامه نئو) پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی (سؤال ۳۵ پرسشنامه نئو)، تصمیمات عاقلانه (سؤال ۶۵ پرسشنامه نئو)

آمادگی برای موقعیت‌های حساس زندگی (سؤال ۹۵ پرسشنامه نئو) موفقیت در کار (سؤال پرسشنامه نئو ۱۵۵) شایستگی و کارایی (سؤال پرسشنامه نئو ۱۸۵) و اثرگذاری و کارآمدی ارتباط دارد (سؤال ۲۱۵ پرسشنامه نئو). نگاهی گذرا و سطحی به این مؤلفه‌ها نشان‌دهنده آن است که چرا خرده‌مقیاس کفایت، همسو با آمیزه‌های دینی توانسته است نگرش مذهبی را پیش‌بینی نماید.

البته عامل برون‌گرایی، با خرده‌مقیاس عواطف مثبت نیز توانسته است جهت‌گیری مذهبی را پیش‌بینی نماید. عواطف مثبت به مشتاق بودن، شوخ‌طبع بودن، قابل تحسین و ستودنی بودن و خوش‌بین و شاداب بودن اشاره دارد. این موضوع را که افراد دارای جهت‌گیری مذهبی متفاوتی هستند، آلپورت (۱۹۶۷) مطرح کرده و به همین منظور پرسشنامه‌ای برای متمایز کردن این دو نوع گرایش مذهبی درونی و بیرونی، معرفی نمود که پژوهش‌ها و تجدیدنظرهای فراوانی بر روی آن صورت گرفت. یکی از تغییراتی که بر روی این مقیاس صورت گرفت توسط مالتب و همکاران (۱۹۹۹) به نقل از نسابه (۱۳۸۴) بود که سؤالات مربوطه به جهت‌گیری مذهبی بیرونی را به دو خرده‌مقیاس جهت‌گیری مذهبی بیرونی شخص و جهت‌گیری مذهبی بیرونی اجتماعی تقسیم کردند و دلایل آن‌ها برای این کار این بود که عنوان می‌کردند برای برخی از افراد منابع تقویت بیرونی در اجتماع وجود دارد و برای برخی دیگر در درون خودشان. به عبارت دیگر، افراد دارای جهت‌گیری بیرونی شخص برای مرتفع کردن نیاز به آرامش، ایمنی، شادی، احساس جلب حمایت خداوند و رفع گرفتاری و اندوه تلاش می‌کنند، درحالی‌که افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی اجتماعی برای جلب منافع و حمایت‌های اجتماعی است که دین را مستمسک قرار می‌دهند.

در این پژوهش، جهت‌گیری مذهبی همچنین، توسط خرده‌مقیاس‌های نوع‌دوستی و خرده‌مقیاس میانه‌روی از عامل دل‌پذیر بودن نیز قابل پیش‌بینی است. نوع‌دوستی به دل‌رحمی، مهربانی، صبر و بردباری اشاره دارد، و میانه‌روی به مطمئن به خود، آرمان‌گرا، توجه‌طلب اشاره دارد. همسو با تحقیق حاضر (فرانسیس و همکاران ۱۹۹۷، مک‌دوگال، ۱۹۹۹، کوسک، ۱۹۹۹، مک‌دونالد، ۲۰۰۰، به نقل از مک‌کلو، ۲۰۰۹) پژوهشگران پیشین نیز دریافتند که دل‌پذیر بودن و باوجدان بودن ارتباط مثبتی با مذهبی

بودن و جهت‌گیری درون- مذهبی دارد. تنها تفاوت تحقیق حاضر پیش‌بینی عامل برون‌گرایی از جهت‌گیری مذهبی است که می‌تواند محرک تحقیقات دیگر باشد. در مورد تفاوت‌های جنسیتی در صفات شخصیت، تحقیقات گذشته نشان داده‌اند که زنان نمرات بالاتری در نروتیک بودن، دل‌پذیر بودن و برون‌گرایی نسبت به مردان به دست می‌آورند (لسلی و همکاران، ۲۰۰۷). به‌طورکلی در تمامی ملل و کشورها تحقیقات انجام‌شده بر روی پنج عامل بزرگ شخصیت نئو، به‌طور ثابتی نشان داده‌اند که زنان در هر پنج مقیاس نروتیک بودن، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، دل‌پذیر بودن و باوجدان بودن نمراتی بالاتر از مردان به دست می‌آورند (کاستا و همکاران، ۲۰۰۱؛ مک‌کری، ۲۰۰۲؛ مک‌کری و تراکسیانو، ۲۰۰۵؛ ساچمت و همکاران، ۲۰۰۸). تحقیق حاضر نیز همسو با تحقیقات گذشته نشان داد که زنان در هر چهار عامل نروتیک بودن، انعطاف‌پذیری، برون‌گرایی و باوجدان بودن به‌طور معنادار نمراتی بالاتر از مردان به دست آوردند و تنها در عامل توافق‌پذیری، تفاوت معنی‌داری یافت نگردید که نشان‌دهنده آن است که مردان و زنان در روابط بین‌فردی، تفاوت محسوس و معناداری با یکدیگر ندارند. بالاتر بودن زنان در هر چهار مقیاس- و برتری زنان در کل پنج مقیاس در تحقیقات جهانی- می‌تواند محرک سؤالات و تحقیقات فراوانی باشد. این تحقیق همسو با تحقیقات پیشین (مک‌کلو و همکاران، ۲۰۰۹)، نشان داد که با وجدان بودن و توافق‌پذیری می‌تواند ابعاد دین‌داری- جهت‌گیری مذهبی، عمل به باورهای مذهبی و نگرش مذهبی- را پیش‌بینی نماید، البته در این تحقیق عامل برون‌گرایی نیز اضافه گردید که توانست جهت‌گیری مذهبی را پیش‌بینی نماید. دلایل پیش‌بینی دو عامل دل‌پذیر بودن و باوجدان بودن از ابعاد دین‌داری در تحقیقات گذشته و این تحقیق به تأیید رسیده است و برتری زنان بر مردان در هر پنج عامل شخصیت، سؤالات فراوانی را ایجاد می‌کند که می‌تواند محرک تحقیقات کیفی و کمی دیگر گردد. اما علاوه بر آن در این تحقیق، عامل برون‌گرایی نیز، جهت‌گیری مذهبی را پیش‌بینی کرد، که در تحقیقات پیشین- غیر از کشور ایران- عامل برون‌گرایی، جهت‌گیری مذهبی را پیش‌بینی نکرده بود؛ از این‌رو، پیشنهاد می‌گردد که این تحقیق، توسط پژوهشگران دیگر در نقاط مختلف ایران و با جوامع تحقیقی دیگر نیز تکرار گردد.

یادداشت‌ها

1. Ralph
2. religion
3. William James
4. Freud
5. Jung
6. Allport
7. Ross
8. Larson
9. Maltby J. Day
10. Ellis
11. Chamber Beniand
12. Bergin
13. pargament
14. Newman
15. Rouy
16. Peterson
17. Francis
18. Baker M. Groush
19. Koenig
20. Shehni Yeylagh
21. Petersen L.R. Roy
22. Wiggins
23. NEO
24. neuroticism
25. extraversion
26. McCare & John
27. Diner & Lucas
28. openness
29. agreeableness
30. conscientiousness
31. Digman & Takomotochok
32. Gutierrez
33. Wink
34. Duriez & Soenens
35. Saroglou
36. Jennifer & Brent
37. social investment
38. Fearn
39. Feathe & McCrae
40. Feather
41. Stanley

42. Raschke
43. Allen & Spilka
44. Allport & Ross
45. Batson & Ventis

کتابنامه

- پروین، لارنس (۲۰۰۲). روان‌شناسی شخصیت، ترجمه محمد جوادی و پروین کدیور (۱۳۷۳)، تهران: انتشارات رسا.
- تورانی، اعلی، مرتضوی، ام‌البنین (۱۳۹۱)؛ «نقش نهادهای فرهنگ‌ساز در ایجاد فرهنگ مطلوب اجتماعی»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه الزهراء(س).
- خانیکی، هادی (۱۳۸۶). فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط‌جمعی، سال هجدهم، شماره ۱، پیاپی ۶۹.
- خدایاری‌فر، محمد؛ غباری‌بنات، باقر و شکوهی‌یکتا، محسن (بهار ۱۳۸۰)، «گستره پژوهش‌های روان‌شناختی در حوزه دین»، فصلنامه اندیشه و رفتار، سال ششم، شماره ۴، صص ۴۵-۵۴.
- دریابیگی، محسن (۱۳۹۰)، «نسبت دین و فرهنگ»، مجله برگ فرهنگ، سال هشتم، شماره بیست و سوم.
- شولتز، دوان (۱۹۹۰)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی و همکاران (۱۳۸۴)، چاپ پنجم، انتشارات ارسباران.
- شهبازی، آناهیتا (۱۳۷۵)، «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی درونی و برونی و سلامت روان»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۳)، «نقش دین در فرهنگ‌سازی توسعه علمی»، قیاسات، سال نهم.
- کجباف، محمداقبر، رئیس‌پور، حفیظ‌الله (۱۳۸۷)؛ «رابطه بین نگرش مذهبی و سلامت روانی در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه اصفهان»، دوفصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال اول، شماره دوم.
- کشاوری، امیر؛ شاه‌نظری، مهدی و کلانتری، مهرداد (۱۳۸۸)، «رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با عمل به باورهای دینی در دانشجویان»، دوفصلنامه علمی-تخصصی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال سوم، شماره ۴.

گروسی فرشی، میرتقی؛ مهریار، امیرهوشنگ و قاضی طباطبایی، سید محمود (۱۳۷۷)، «کاربرد آزمون جدید شخصیتی نئو (NEO) و بررسی تحلیل ویژگی‌ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران»، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس.

گلزایی، محمدرضا؛ بهدانی، فاطمه و قربانی، اسماعیل (۱۳۸۰)، «آیا فعالیت‌های مذهبی می‌توانند از افسردگی، اضطراب و سوءمصرف مواد در دانشجویان پیشگیری نماید، همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان»، تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، چکیده مقالات، ص ۷۲.

لاینون، آی. ریچارد و گودشتاین، لیوناردی (۱۳۸۲): ارزشیابی شخصیت، ترجمه نقش‌بندی، قربانی، برواتی و ارجمند. تهران: انتشارات دوران.

نسابه، سید محمد (۱۳۸۴)، «نقش باورها و عقاید مذهبی در سلامت روان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.

Allport, G. W.; Ross, J. M. (1967), "Personal Religious Orientation and Prejudice", *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol.5, Iss.4, pp.432-443.

Baker M.; Groush R. (1982), "Trait Anxiety and Intrinsic-extrinsic Religiousness", *J Sci Stud Relig*, 21(2), pp.119-22.

Bergin A. (1983), "Religiosity and Psychological Well-being: A Critical Evaluation and Meta-Analysis", *Prof Psychol Res Pract*; 14(2), pp.170-84.

Diener, E.; Suh, E. M.; Lucas, R. E. & Smith, H. L. (1999), "Subjective Well-being: Three Decades of Progress", *Psychological Bulletin*, 125, pp.276-302.

Duriez, B. & Soenens, B. (2006), "Personality, Identity Styles, and Religiosity: An Integrativestudy among Late and Middle Adolescents", *Journal of Adolescence*, 29, p.119.

Duriez, B. (2002), "As Sheep Amidst the Wolves: Religion in the Social Environment", Doctoral Dissertation, Leuven: K. U. Leuven.

Ellis A. (1980), "Psychotherapy and Atheistic Values: A Response to A. E. Bergin's Psychotherapy and Religious Values", *J. Consult Clin Psychol*; 48(1), pp.635-9.

Fearn, M.; Lewis, C. A. & Francis, L. J. (2003), "Religion and Personality among Religious Studies Student: A Replication", *Psychological Reports*, 93, pp.819-822.

- Francis, L. J.; Kaldor, P.; Shevlin, M. & Lewis, A. (2004), "Assessing Emotional Exhaustion among the Australian Clergy: Internal Reliability and Construct Validity of the Scale of Emotional Exhaustion in Ministry (SEEM)", *Review of Religious Research*, 45, pp.269-277.
- Francis, L. J. & Katz, Y. J. (1992), "The Relationship between Personality and Religiosity in an Israeli Sample", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 31, pp.153-162.
- Gutierrez, J. L. G.; Jimenez, B. M.; Hernandez, E. G. & Puente, L. P. (2005), "Personality and Subjective Well-being: Big Five Correlated and Demographic Variables", *Personality and Individual Differences*, 38, pp.1561-1569.
- Jennifer, L. S. & Brent, R. (2007), "Social Investment and Personality: A Meta-analysis of the Relationship of Personality Traits to Investment in Work, Family, Religion, and Volunteerism", *Personality and Social Psychology Review*, 11, pp.1-19.
- Koenig H. G., Hays, J. C.; Georgerk Blazer D. G.; Larson, D. B. & Landerman L. R. (1997), "Modeling the Crosssectional Relationships between Religion, Physical, Social Support, and Depressives", *Am J. Geriatr Psychiatry*; 5(2), pp.131-43.
- Leslie A.; Burtor, Jessica Hafetz, and Debra Henninger (2007), "Gender Differences in Relational and Physical a Gression", *Social Behavior and Personality*, 288(1), pp.41-50.
- Maltby J. & Day L. (2000), "Depressive Symptoms and Religious Orientation: Examining the Relationship between Religiosity and Depression within the Context of other Correlates of Depression", *Pers Indiv Differ*; 28(2): pp.383-93.
- Markis, H. R. (2004), "Culture and Personality, Brief for an Arranged Marriage", *Journal of Research in Personality*, 38, pp.75-83.
- McCrae, R. R. (1996), "Towards a New Generation of Personality Theories: Theoretical Contexts for the Five- Factor Model", In J. S. Wiggins, *The Five- Factor Model of Personality: Theoretical Perspectives*, pp.51-87, New York: Guilford Press.
- Mc.Crae, R. & John, O. P. (1992), "An Introduction on the Five- Factor Model and is a Plications", *Journal of Personality*, pp.60-175.
- McCullough, Michael E.; Friedman, Howard S.; Enders, Craig K. & Martin, Leslie R. (2009), "Does Devoutness Delay Death? Psychological Investment in Religion and Its Association with Longevity in the Termansample", *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 97(5), Nov., pp.866-882.

- Newman, J. & Pargament, K. (1990), "The Role of Religion in the Problem Solving Process", *Review of Religious Research*, 31, pp.390-404.
- Paloutzian, R. E. (1996), *Invitation to the Psychology of Religion*, Boston: Allyn and Bacon.
- Petersen L. R. & Roy A. (1985), "Religiosity, Anxiety, and Meaning and Purpose: Religion's Consequence for Psychological Well-being", *Rew Relig Res*; 27(1), pp.49-62.
- Ralph, W.; Hood, Ir.; Bernard, S.; Brace, H. & Richard, G. (1996), *The Psychology of Religion*, , New York- London: The Guilford Press.
- Robbins, S. P. (2003), "Organizational Behavior", New Dehli: Practice, Hall of India.
- Ross, Ch. F. J.; Francis, L. J. & Craig, Ch. L. (2005), "Dogmatism, Religion, and Psychological Type", *Pastoral Psychology*, 53, pp.483-497.
- Saroglou, V. (2002), "Beyond Dogmatism: The Need for Closure as Related to Religion", *Mental Health, Religion & Culture*, 5, pp.183-194.
- Shehni Yeylagh M. (2002), "Movahhed A, Shokrkon H. [Relationships between Religious Attitudes, well being, physical and mental health among students of ShahidChamran university of Ahvaz]", *Journal of psychological and educational science*; 11(1-2): 19-34. (Persian)
- Wiggins, G. (1997), "Feedback: How Learning Occurs", In: E. E. Chaffee (Ed.), *Assessing Impact: Evidence and Action* (pp.31-39), Washington D.C: American Association for Higher Education.
- Wink, P.; Ciciolla, L.; Dillon, M. & Tracy, A. (2007), "Religiousness, Spiritual Seeking, and Personality: Finding from a Longitudinal Study", *Journal of Personality*, 75, p.1051.